



محمد حیدر اختر

سابق کارمند رادیو تلویزیون افغانستان

خاطرات فراموش ناشدنی

از رادیو افغانستان

روز چهاردهم ماه دلو برای من یک روز ناخوش آیند و دلگیر می باشد، زیرا سی و سه سال قبل از امروز به تاریخ ۱۴ دلو ۱۳۶۲ ناگزیر شدم با خانواده، خانه و کاشانه خویش را رها نموده و بی سرنوشت راه مهاجرت را در پیش بگیرم. این روز غمبار همیشه در خاطرم بود و فراموشم هم نخواهد شد.

چندی قبل صحبتی با یک تن از عزیزان و همکاران خاطره های دیگری را برایم زنده کرد.

بعد از سی و سه سال یکی از همکاران خوبم ملالی جان، عضو مدیریت ارزیابی پرورگرام های رادیو افغانستان را از طریق فیسبوک یافتم که در ایالات متحده امریکا با خانواده خود زنده گی می کند. امکانات میسر شد و از طریق مسنجر، توانستیم باهم تماس بگیریم و بیشتر از یک ساعت باهم قصه کردیم. از روز های تلخ و شیرین که باهم در رادیو افغانستان همکار بودیم، یاد نمودیم. زمانی که تماس ما با خدا حافظی قطع شد، تمام خاطرات آن روزگار دوباره در خاطرم زنده شد. و یادم آمد که چگونه ناگزیر شدم در ظرف سه روز با خانمم عزیزه مهر اختر (آموزگار) دخترم مریم اختر (دوساله) و پسرم مصطفی اختر که، هنوز چهل روزه نشده بود ترک وطن نمایم.

من در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در رادیو افغانستان، تحت نظر محترمه شکریه جان رعد، همکاری خود را با رادیو افغانستان آغاز نمودم. شکریه جان مرا همراهی خود به استدیوهای رادیو برد و در استدیو ۴۷ که همکار تخنیکی آن علی احمد جان وزیر (مشهور به داکتر علو) بود معرفی کرد و طریق ثبت برنامه اطفال را آموخت و بعدا برنامه خانواده و امثال آن را از شکریه جان فرا گرفت. و از اول



سال ۱۳۴۶ هجری خورشیدی منحت مامور رسمی به حیث عضو مدیریت عمومی پرگرام های رادیو افغانستان که در آن زمان مرحوم کریم روهینا منحيث مدير عمومي پرگرام ها ايفاي وظيفه ميکرد، به کار آغاز کردم. در آن زمان رادیو افغانستان یک فضای بسیار دوستانه داشت، زیرا کار رادیو افغانستان مانند



زنجر، یکی با دیگری در ارتباط بود. همکاران رادیو افغانستان مانند اعضای خانواده باهم صمیمی بوده، فرق بین همکاران تخنیکي و نشراتی، آمو مامور نبود. باهم می گفتیم و می خندیدیم، ولی هر کدام وظیفه خویش را با

صداقت، صفا و صمیمیت با شوخی های همان زمان انجام می دادیم. شاید تعداد زیادی از همکاران سابقه دار رادیو افغانستان بامن هم نظر باشند که در آن زمان مامورین رادیو افغانستان به خاطر ساعت رسمی کار نمی کردند، بلکه هر کدام وظیفه خود را تا هر لحظه که برنامه شان ثبت و آماده نشر می شد ادامه می دادند. زیرا همه با یک شوق و علاقه وظیفه محوله اش را اجرا می کرد.

با کودتای نیمه کمونیستی سردار محمد داود خان فضای رادیو افغانستان کمی تغییر کرد. زیرا تشکیل رادیو افغانستان انکشاف پیدا نموده و با روی کار آمدن پروژه تلویزیون، به تعداد همکاران افزوده شد. تغییراتی در پالیسی نشراتی رونما گردید. ولی با کودتای ننگین هفت



ثور فضای رادیو افغانستان کاملاً دگرگون شد. رادیو تلویزیون افغانستان، به کمیته رادیو تلویزیون و افغان فلم مسما شد. همکاران بیشتری جذب گردید اکثر همکاران جدید سابقه کار در مطبوعات را نداشتند صرف کاردت سرخ حزبی، و داشتن سلاح واسطه حزبی برای جذب شان کفایت می کرد. در بین همکاران جدید واضح است که، اعضای دستگاه جاسوسی اکسایز شامل بودند. تعقیب، بگیر و ببند از همان جا آغاز گردید. تعداد فراوانی از همکاران رادیو تلویزیون افغانستان راهی زندان شده، با شکنجه های غیر انسانی مواجه شدند، و تعدادی هم در پلنگون های پلچرخی سربه نیست گردیدند. در بین همکاران رادیو تلویزیون آن همه اعتماد و همکاری سابق وجود نداشت، هر یکی از سایه دیگر در هراس بودند

زیرا هیچ کدام نمی دانست که کی با اکسا ارتباط دارد . به خصوص زمانی که



رقابت و روابط خصمانه بین جناح خلق و پرچم به وجود آمد فعالیت افراد اکسا در همه جا و خاصا در رادیو تلویزیون احساس می شد.

پالیسی نشراتی کاملا دگرگون شد. خوب به خاطر دارم که روز دوم کودتای ثور، دو سه

نفر از اعضای برجسته کودتاگران (کمیته مرکزی) به رادیو آمده، تغییراتی در برنامه های رادیو آوردند. از جمله می توان گفت: برنامه موعظه که هر شام پنجشنبه قبل از ساعت ۹ شب انتشار می یافت و هم برنامه سیره النبی که بعد از آذان پیشین منتشر می شد و هاکذا موعظه روز جمعه که بعد از نماز جمعه از طریق رادیو پخش می گردید از برنامه های رادیو حذف نمودند. یعنی در آغاز کودتا گران در مقابل عقیده و ایمان مردم افغانستان موضع گرفتند.

با تجاوز قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان، در ششم جدی ۱۳۶۸ خورشیدی وضع در سراسر کشور برهم خورد، زیرا تمام مردم شریف افغانستان مخالف تجاوز آشکار نیروهای تابه دندان مسلح اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی شدند. خیزش های مردمی در کابل و ولایات افغانستان نمونه مخالفت مردم با رژیم دست نشانده شده می تواند . نمی خواهم در زمینه بیشتر بپردازم صرف در بخش رادیو و تلویزیون افغانستان که، شاهد ماجرا بودم اکتفا می کنم .

در رادیو تلویزیون افغانستان اوضاع شکل دیگری به خود گرفت. در آن زمان شاخه خلق عقب شاخه پرچم چراغ به دست می گشت ، بعد از ششم جدی اعضای شاخه پرچم به خصوص خادیسست های رادیو تلویزیون افغانستان، در جستجوی مخالفین رژیم شدند بگیر و ببند بکش مانند گذشته ادامه داشت. این که بعضا گفته می شود که در زمان زمام داری پرچمی ها کشت و خون نبوده و یا کمتر بوده از حقیقت به دور است. زیرا باز هم تعداد فراوانی از کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان توسط خادیسست های شش درک گرفتار شده شکنجه شدند. حتی بعضی از آن ها دوباره بازنگشتند که اسمای آن عده از مامورین رادیو تلویزیون که در زمان زمام داری خلق و پرچم راهی زندان شده اند و یا این که توسط شکنجه

گران خاد به شهادت رسیده است، درمطلب جدا گانه که لینک آن درپایین قرار دارد دیده شده می تواند. گرچه این یادداشت کامل نبوده و می دانم که تعدادی از همکاران ما که آزار و اذیت شده اند و یا این که به شهادت رسیده اند بیشتر از است می باشد که انتشار یافته است .

<http://www.rangin-hamburg.com/اختر-استبداد>

در قسمت پالیسی نشراتی رادیو و تلویزیون افغانستان باز هم تغییراتی رونما گردید در زمان زمام داری خلقی ها صرف مطالب و ترانه های انقلابی بیشتر شده بود، ولی در زمان پرچمی ها بر علاوه سرود ها و موضوعات انقلابی ، روس ستایی و نوکرمنشی هم اضافه گردید . به قسم مشت نمونه خروار می توان از شعر و آهنگ کابل مسکو را یاد کرد .

برنامه های خبری رادیو تلویزیون افغانستان تحت نظر مشاوران روسی نشرات داشت. حتی بیانییه رییش جمهورکشور و اعضای کمیته مرکزی هم توسط مشاوران روسی نخست در تلویزیون کنترل می شد و بعد متن کنترل شده به رادیو می آمد و بیانییه ها دوباره « هید د » می گردید. از جانب دیگر مشاوران روسی که



آمر شان فاضل و ویچ نام داشت و ترجمانانش محمد اوف . خال نظر اورالف، جعفر گوجایف و احمد جان بود ، وظیفه داشتند تا فلم ها ، سریال ها و برنامه های تهیه شده در شوروی سابق را در تلویزیون افغانستان به نشر برسانند. جناچه بعد از آمدن مشاورین روسی، فلم های در مورد لینین، انقلاب اکتوبر، قهرمانی های ارتش سرخ، جنبش های کارگری و غیر از طریق تلویزیون افغانستان انتشار یافت. برنامه های معلوماتی و ادبی و هنری به شکل عادی نشرات داشتند. در زمان ریاست دانشمند محترم لطیف ناظمی برنامه های رادیو به خصوص بخش هنر و ادبیات با محتویات خوب انتشار می یافت . زمانی که محترم لطیف ناظمی به حیث استاذ زبان فارسی دری در یکی از دانشگاه ها ، راهی آلمان شرق شدند معاونش اکبر کرگر به حیث رییس نشرات رادیو تقرر حاصل نمود. وی که

از شاخه پرچم و از گماشته گان وپای دوان محمود بریالی بود اصلا در دانشکاه، فلسفه تحصیل کرده و در امور مطبوعات و به خصوص رادیو و تلویزیون بلدیت چندانی نداشت، در زمان ریاست وی هیچ برنامه با محتویات عالی روی کار نیامد. یک برنامه به نام (جام جم) نظر به هدایت ریاست تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب که هفته دوبار شام شنبه و چارشنبه به ساعت ۹ شب تهیه می شد، و مطالب آن را سرمقاله های روزنامه (پرودا) ارکان نشراتی حزب کمونست شوروی سابق تشکیل می داد که، به زبان های فارسی دری و پشتو برگردانده شده از طریق مدیریت عمومی اطلاعات رادیو افغانستان پخش می گردید.

رییس جدید رادیو افغانستان یکی از فعالین خاد بود . نخستین کارش با همکاری سازمان اولیه رادیو تلویزیون که همه اعضای خاد بودند، به تصفیه کارمندان رادیو آغاز کردند . شخص رییس بعضی از مامورین رادیو افغانستان را به دفترش می خواست و اظهار می داشت که، چرا خودت عضویت حزب را قبول نمی کنی؟ اگر حزب بد است برایم بگو که من هم از حزب برایم واگر خوب است چرا خود را گوشه می گیری؟ و یا این که بعضی از مامورین رادیو را با پیشنهاد بست به ترویج یا چوکی بهتر به حزب و حتی خاد جذب می کرد . حتی تعداد از ملازمین و دریورهای رادیو رانیز در خاد جذب کردند و ماهانه برای شان سه صد افغانی از طریق خاد تادیه می شد . این کار به حدی رسید که در هر دفتر یکی از اعضای خاد گماشته شد. زیرا خاد حتی به اعضای حزب نیز اعتماد نداشت. با وجود که در دفتر ما دو نفر حزبی موجود بود ولی باز هم یکی از خاد است هارا نیز وظیفه دادند تا راپور شعبه ما را به خاد برساند. وظیفه آن خاد است گوینده گی در رادیو بود، یعنی که عضو مدیریت عمومی نطقان ، ولی در دفتر ما می آمد و ما را تحت نظر داشت .

هر عضو خاد که در دفتر بودند، روزنه راپور خود را به یکی از اعضای بلندتر خاد که، در همان دهلیز قرار داشت تسلیم می کرد.

مدیر عمومی اداری رادیو تلویزیون افغانستان که، خانم منشی سازمان اولیه بود سوانح آن عده از کارمندان رادیو تلویزیون را که، عضویت حزب را نداشتند منحیث افراد مشکوک به اداره خاد شش درک ارسال کرده بود .

فضای خفقانزا کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان را اذیت می کرد، ولی چاره نبود ناگزیر بودند که می سوختند و می ساختند.

قسمی که قبلاً ذکر کردم من عضویت اداره ارزیابی پروگرام های رادیو را داشتم، در یکی از شب ها که نوکری بودم، در برنامه تبصره جراید سرمقاله روزنامه هیواد که با تاسف تاریخ آن را فراموش کردیم انتخاب شده بود که، درباره مهاجرین افغان در پاکستان بود. در آن سرمقاله توهین مستقیم به تمام مهاجرین افغان در پاکستان صورت گرفته بود که (بعد از سی و سال من خجالت می کشم آن رابه روی کاغذ بیاورم.) نشر مطلب را از طریق رادیوی افغانستان لازم ندیدم. ونزد رییس رادیو رفته وموضوع را مطرح کردم. وی اظهار داشت که نشرکن. ومن دلیل می آوردم، خلاصه مطلب انتشار نیافت، ولی فردای همان روز زمانی که می خواستم حضوری را امضا نمایم، دیدم رییس رادیو سوی من آمد گفت: اشرار چطور هستی؟

از همان لحظه فهمیدم که کارم ساخته است و می خواهند مرا از رادیو اخراج نمایند و همان شد.

ریاست رادیو تلویزیون وقت، سازمان اولیه و تمام خادیسست های رادیو تلویزیون به این عقیده بودند که، آن عده از کارمندان رادیو تلویزیون که، با ایشان نیستند به ویا مخالف تجاوز قشون سرخ شوروی سابق هستند به بهانه های مختلف از صحنه خارج نمایند. و فکر می کردند، همه چیز به ذوق شان برابر بود. وانقلاب ثورشکست ناپذیر است از آینده نمی دانستند که، چه به فرق شان می آید. و هیچ گمان نمی کردند که روزی ولینعمت شان یعنی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق پشت شان را خالی نماید.

اگرما از دست ظلم وجنایات وطن فروشان خلقی و پرچمی و به خصوص خادیسست ها مهاجر شدیم روزی رسید که از ترس ومظالمی که در حق مردم کرده بودند، خود نیز فرار رابرقرار ترجیح داده. برخلاف شعارهای گذشته شان، راهی کشورهای امپریالیستی شده و ریزه خوار شدند.

شکر خدا در این است که، ما در بین اجتماع جا داریم، واز هیچ چیز خوف نداریم. زیرا جنایت نکردیم، و دست ما به خون مردم ما آلوده نیست. ولی تمام اعضای

باند خلق و پرچم درهرکشوری که، هستند و درمجالس ومحافل خوشی وغم اشتراک می کنند، خوف دارند که یک مخالف شان پیدا نشود. واگریکی از مخالفین را دیدند فوراً صحنه را ترک می کنند. وازجانب دیگر وجدانا نا آرام هستند، تعداد کثیرشان به شراب پناه برده و زمانی که به گذشته خویش فکر می کنند، رنج می برند واضح است اعصاب شان نارام شده وعصبانیت باعث برخورد های فامیلی شده ومشکلات دیگر برای شان پیدا شده است .

این بود که صحبت با آن همکار عزیز، که خاطرات زیادی را به یادم آورد وبرای شما خواننده گان با احساس نیز نوشتم.